

نقش تنظیم هیجان و هوش فرهنگی در پیش بینی نیازهای اساسی روانشناختی افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی شهر اردبیل

زهرا حاجی زاده¹

تاریخ دریافت: 1397/08/05 تاریخ پذیرش: 1397/11/25

صفحه: 110-143

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش تنظیم هیجان و هوش فرهنگی در پیش بینی نیازهای اساسی روانشناختی افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی شهر اردبیل بود. روش تحقیق توصیفی همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی بود که در سال 1396 به کلاتری های شهر اردبیل مراجعه کرده بودند. تعداد نمونه 123 نفر بود که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای از بین 8 کلاتری انتخاب شدند. آزمودنی ها پرسشنامه های هوش فرهنگی، تنظیم هیجانی و نیازهای اساسی روانشناختی را تکمیل کردند. اطلاعات به دست آمده با استفاده از تحلیل رگرسیون چند گانه تحلیل شد و نتایج تحلیل نشان داد تمرکز مجدد ($B=0/27$)، ملامت خویشتن ($B=0/25$) و پذیرش ($B=-0/25$) توانایی پیش بینی نیازهای اساسی شایستگی را دارند. همچنین ملامت دیگران ($B=-0/25$) توانایی پیش بینی نیاز اساسی ارتباط را دارد. از بین مولفه های هوش فرهنگی، راهبرد فراشناخت ($B=0/33$) توانایی پیش بینی نیاز اساسی شایستگی و دانش شناخت ($B=0/26$) توانایی پیش بینی نیاز ارتباط را دارند. به طور کلی نتایج تحقیق نشان داد نیازهای اساسی شایستگی و ارتباط از طریق هیجان‌ات و هوش فرهنگی افراد درگیر در نزاع، قابل پیش بینی هستند.

واژه های کلیدی: هوش فرهنگی، تنظیم هیجان، نیازهای اساسی روانشناختی، نزاع و درگیری گروهی

1. کارشناس ارشد رشته روانشناسی تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل (نویسنده مسئول)

بیان مساله

نزاع و درگیری در طول زندگی بشر از ابتدای خلقت وجود داشته و این مساله امری طبیعی در زندگی اجتماعی انسان ها محسوب می شود. انسان ها برای مقابله با این مساله و در جهت حفظ زندگی خود از آسیب های ناشی از درگیری ها و خونریزی ها همواره رویکرد های مختلفی را در پیش گرفته اند که در این میان نیاز به رشد و توسعه بلوغ روانی و اجتماعی می باشد. گرایش ذاتی به رشد، نیاز به حمایت های ویژه و رشد انگیز محیط اجتماعی دارند. این عوامل رشد انگیز در نظریه خودتعیین گری به عنوان نیازهای اساسی روانشناختی تعریف شده اند (رایان¹، 2009).

بسیاری از مشکلات و آسیب های اجتماعی، از نزاع و درگیری های گروهی شروع می شود و این در حالی است که نهاد های دولتی وابسته به امر رسیدگی به این مساله در سال های اخیر اقدامات جدی را در پیش گرفته اند اما باز شاهد حوادث ناگوار ناشی از این گونه حوادث در سطح جامعه هستیم. به دنبال حل مساله و رهایی از این نوع آسیب اجتماعی، حداقل در حوزه های روانشناسی می تواند اقدامات پژوهشی مناسبی برای حل مساله انجام داد. مساله نیازهای روانی² و تامین آن در زندگی انسان بسیار ضروری بوده و در پس این مساله نظریه پردازان و روانشناسان مطرحی در سطح جهان سخن گفته اند حتی در نگاه روانشناختی به انسان و سبک و سیاقی که او برای زندگی خویش برمی گزیند، نیاز های محوریتی انکارناپذیر دارند و نیاز ها چه فیزیولوژیک و چه روانشناختی از خاستگاه های رفتار و حرکت به حساب می آیند (دسی و رایان³، 2011) از دیدگاه دسی و رایان⁴ (2000) نیاز های اساسی شامل نیاز های سه گانه خود پیروی، شایستگی و تعلق (پیوستگی) می باشد میل به خود آغازگری در تنظیم اعمال شخصی و

¹-Ryan

²-Psychological needs

³-Deci&Ryan

⁴-Deci & Ryan

این که فرد احساس کند پیامدهای رفتاری وی توسط خود او تعیین شده است، نیاز خود پیروی نامیده می‌شود. احساس شایستگی در مواجهه و تعامل با محیط، قابلیت اجرای وظایف مختلف و توان خلق آثار مطلوب و ممانعت از آثار نامطلوب، نیاز شایستگی نامیده می‌شود و احساس برخورداری از روابط اجتماعی رضایت بخش و حمایت‌گر، علاقمندی و تعلق داشتن به دیگران، نیاز تعلق (پیوستگی) نامیده می‌شود (بشارت، هوشمند، رضازاده و غلامعلی لواسانی، 1394). احساس نیاز به روان و بهره‌گیری و ارضاء آنها در تمام افراد نمی‌تواند حد یکسانی داشته باشد هر فرد بر اساس افکار و اندیشه‌های خود به نیازهای روانی خود پاسخ داده و آن را ارضاء می‌کند یکی از گروههایی که بر سر مهارت‌های روانی دست به گریبان هستند، افراد خشن و غیر قابل کنترل هستند که روحیه ستیزه‌جو و پرخاشگر داشته‌ها آتش نزاع‌های جمعی را شعله‌ور می‌کنند. این افراد در جامعه مسبب انواع تضادها و خشونت‌ها می‌باشند. خشونت و تضادی که توسط این افراد دامن زده می‌شود در جامعه به اشکال گوناگون و به عنوان یک مسئله اجتماعی، سابقه‌ای طولانی به خود پیدا کرده است.

همچنین گفته شده نزاع جمعی درگیری است که حداقل سه نفر در آن شرکت دارند (صدیق سروستانی، 1385) و معمولاً با انگیزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به طور محدود و گسترده و به صورت مسلحانه یا غیرمسلحانه بین عده‌ای از افراد به وقوع می‌پیوندد و با خسارتمالی و معنوی همراه است. بنابراین می‌توان چنین بیان کرد که نزاع دسته جمعی متأثر از نوع معیشت و مکان‌زندگی (روستا یا شهر) و طبقه اجتماعی افراد، میزان حاکمیت قانون و اعتماد به ساختارهای حاکمیتی در حل این مسائل، تعریف نقش و شخصیت فرد، خانواده، عشیره و قبیله و میزان وابستگی افراد به ساختار اجتماعی و سنتی، ساختار قدرت اجتماعی و فرهنگ و هویت تاریخی و اجتماعی، ارزش‌ها و اعتقادات و... است. نزاع دسته جمعی، که اصولاً بامیانگین بالایی در استانهایی که ساختار ایلی و طایفه‌ای خود را حفظ کرده‌اند، مشاهده می‌شود، علاوه

بر حفظ ساختارهایی در اثر عواملی چون احساس محرومیت، تعصب، خاص گرایی، انزوای اجتماعی، توسعه نیافتگی فرهنگی و... به وقوع می پیوندند (میرفردی و صادق نیا، 1391).

از طرفی بیان شده هیجانانگیز در افراد از ویژگی های روانی او محسوب می شود و یکی از فاکتور های هیجانانگیز در افراد تنظیم هیجان¹ است. هیجان ها در افراد در سازگاری با رویدادهای تنیدگی زا و تغییرات زندگی نقش دارد. شواهد نشان می دهد که هیجان ها در پاسخ دهی رفتاری، فرآیند تصمیم گیری، ارتقاء حافظه برای وقایع مهم و تسهیل تعاملات بین فردی نقش مهمی را ایفا می کند، با این که این هیجان ها کمک کننده هستند اما می توانند مخرب هم باشند به طوری که پاسخ های هیجانی نامناسب می تواند منجر به بروز اشکال مختلف آسیب های روانی، مشکلات اجتماعی شود (حسینی و شاهمرادی فر، 1395). از آنجایی که نزاع و درگیری گروهی نیز به عنوان آسیب های اجتماعی قلمداد می شوند و همان طور که گفته شد از آنجایی که هیجان ها به عنوان پاسخ رفتاری در برابر وقایع مهم محسوب می شود لذا این مساله نمی تواند در مقابل نیازهای روانی افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری بی تاثیر باشد. از طرفی افراد خاطی برای تخلیه پتانسیل های روانی خود مجبور به شرکت در نزاع های دسته جمعی کرده که در واقع تصمیم گیری و اقدام به این مساله به نوعی از هوش در افراد مربوط می شود که در علم روانشناسی از آن به عنوان هوش فرهنگی² نام برده شده است هوش - فرهنگی به ظرفیت های شخصی اطلاق می شود که انسان را به تعامل مؤثر با دیگر انسان ها با پیشینه و زمینه های فرهنگی گوناگون توانا می کند (بریسلین و مک ناب³، 2006). هوش فرهنگی نشانه ی توانایی مؤثر بودن میان فرهنگ های مختلف است و این مهارت ها می تواند به افراد آموزش داده شود (اینجی، وان و انگ⁴، 2009).

¹-Emotional regulation

²-Cultural intelligence

³-Brislin et al

⁴- Ng, Van, & Ang

بنابراین با توجه به ماهیت هوش فرهنگی انتظار می رود در نزاع و درگیری های گروهی، و نبود این رویکرد و یا زوال آن در شخصیت فرد، و یا عدم توانایی در بهره گیری از نقاط قوت آن، از عوامل تشدید کننده درگیری ها و نزاع های گروهی باشد چرا که تعاملات فرهنگی که در نزاع و درگیری های گروهی از هم گسسته می شود، نتیجه نبود هوش فرهنگی بالا در افراد مسبب این مساله است. از طرفی شواهد نشان می دهد که در نزاع و درگیری های گروهی عمدتاً فرد یا افراد به دنبال اثبات شایستگی، استقلال و مرتبط بودن (عمرانیان و شیخ الاسلامی، 1391) خود در میان سران است که در این میان بهره گیری از هوش برای تامین نیاز های اساسی روانشناختی در این افراد می تواند در ارتکاب به نزاع و خشونت می تواند تاثیر گذار باشد.

در حالت کلی به نظر می رسد بررسی عوامل روانی از دید پژوهش گران در بین اقشار خاص جامعه، به غیر از مطالعات با در نظر گرفت قلمرو مکانی خاص، در بین افرادی با اعمال خطا در جامعه کم رنگ بوده است در حالی که مطالعه ویژگی های روانی در این گروه افراد می تواند کارکردهای مختلفی داشته باشد به گونه ای که گفته شده روانشناسی یکی از محورهای اصلی جرم شناسی به حساب می آید. نقش روانشناس در تبیین پدیده جرم از زمانی برجسته شد که مجرمان را نه تنها از زاویه قضایی، بلکه از دیدگاه روانی و عاطفی نیز مورد بررسی قرار دادند و به جای آنکه به قضاوت درباره جرم به عنوان یک عمل جزا پرداخته شود، ب بررسی شخصیت مجرم نیز مورد توجه قرار گرفت (رضوی، نظیری و قنبری، 1390).

از طرف دیگر هم شواهد نشان می دهد بسیاری از تحقیقات در حوزه نزاع و درگیری های گروهی بیشتر در حوزه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است (بخارایی، بیات و پریانی، 1395؛ حسین زاده، نواح و عنبری، 1390؛ ربانی، عباس زاده و نظری، 1388؛ طالب، نجفی اصل و احمدی اوندی، 1396). نزاع و درگیری در جامعه از آن دسته آسیب هایی است که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی،

فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می آورد که این امر با زمینه سازی برای ایجاد نزاع و تنش های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می سازد. این پدیده در کشور ما که دارای بافت جمعیتی چند قومیتی می باشد به عنوان پدیده های مسئله ساز ظاهر می شود (حسین زاده و همکاران، 1390). بنابراین پژوهش حاضر در صدد پاسخ گویی به این مساله که آیا تنظیم هیجان و هوش فرهنگی قادر به پیش بینی نیازهای اساسی روانشناختی در افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی می باشد؟

مبانی نظری

تعاریف نزاع و درگیری گروهی

نزاع، خصومت یا دشمنی دو نفر باهم با زبان یا با استعمال اسلحه می باشد. نزاع افکندن به معنی ایجاد خلاف، کشمکش، دشمنی کردن و منازعه برپا کردن است. منازعه به معنی نزاع کردن و ستیز کردن می باشد (معین، 1388). نزاع به عنوان ناسازگاری اهداف یا ارزشهای بین دو یا گروه بیشتری در یک رابطه اجتماعی تعریف می شود که با تلاش جهت کنترل دیگران و احساسات متخاصم نسبت به همدیگر همراه است. نزاع، کشمکشی بین افراد یا جمعی بر سر ارزش ها، ادعا، وضعیت، قدرت و یا منابع کمیاب - است که در آن گروه درگیر در نزاع از برتری ارزشی ادعاهای خود حمایتی کنند. (بخارایی، بیات و پرکیان، 1395).

اساساً می توان نزاع جمعی را چنین تعریف کرد: رویارویی پرخاشگرانه و ستیزه جویانه که توأم با خشم، کینه و انتقام صورت می گیرد و سبب قتل، ضرب و شتم و مجروح و معلول شدن طرف های درگیر می شود و خسارات مالی فراوانی نیز به بار می آورد. (میرفردی و صادق نیا، 1391).

همچنین می‌یر (2009)¹ معتقد است نزاع عبارت است از کشمکش مشهود و از نظر اصولی مستقیماً قابل رؤیت، حداقل بین دو نفر. نزاع‌های جمعی به عنوان یک مسئله اجتماعی علت بروز برخی مسائل اجتماعی دیگر است و خود نیز معلول برخی شرایط و پدیده‌هایی است که ریشه در ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه دارد (میرفردی و صادق نیا، 1391). نزاع جمعی درگیری‌ای است که حداقل سه نفر در آن شرکت دارند (صدیق سروستانی، 1385). نزاع درگیری گروهی معمولاً با انگیزه‌های مختلف اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به طور محدود و گسترده و به صورت مسلحانه یا غیرمسلحانه بین عده‌ای از افراد به وقوع می‌پیوندد و با خسارت مالی و معنوی همراه است (شریعتی و همکاران، 1391).

ماهیت نزاع و درگیری گروهی

پدیده نزاع و درگیری در جامعه از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. این پدیده در کشور ما که دارای بافت جمعیتی چند قومیتی می‌باشد به عنوان پدیده‌ای مسئله‌ساز ظاهر می‌شود. پدیده نزاع‌های جمعی در مناطقی از کشور که به شدت متأثر از ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای خود می‌باشند و گرایش و پایبندی کمتری نسبت به قانون دارند، بیشتر مشهود است. از سوی دیگر، متأسفانه هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی از هموطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود (حسین زاده، نواح و عنبری، 1390). نزاع دسته‌جمعی متأثر از نوع معیشت و مکان زندگی (روستا یا شهر) و طبقه اجتماعی افراد، میزان حاکمیت قانون و اعتماد به ساختارهای حاکمیتی در حل این مسائل، تعریف نقش و شخصیت فرد،

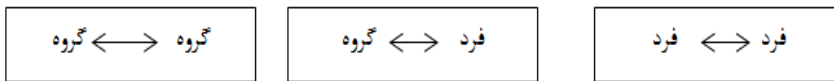
¹-Meier

خانواده، عشیره و قبیله و میزان وابستگی افراد به ساختار اجتماعی و سنتی، ساختار قدرت اجتماعی و فرهنگ و هویت تاریخی و اجتماعی، ارزش ها و اعتقاداتها و... است (شریعتی و همکاران، 1391). مفاهیمی که جامعه شناسان در توجیه نزاع های دسته جمعی در گروه جوانان به کار می برند تا حدی شبیه به مفاهیمی است که انسان شناسان و زیست شناسان در مورد شامپانزه به کار می برند. بر اساس نظر آنها در هر دو مورد بیشترین انگیزه، کسب جایگاه شخصی و منزلت اجتماعی فردی است که این کار به درگیری فیزیکی منجر می شود. بعد فرهنگی و تاریخی نیز از جمله عوامل تأثیر گذار بر این درگیری ها است (شریعتی و همکاران، 1391). و در نهایت می توان بیان کرد اضمحلال فرهنگ و سنت پیشین و عدم جایگزینی به موقع هنجارهای مناسب باعث شده تا افراد در شرایط نه چندان غیر معمول، عنان رفتار خود را از دست داده و خشونت را شکل دهند. این پدیده از یک بگو مگوی ساده تا گلاویز شدن افراد و در نهایت تا قتل افراد را به دنبال دارد. تبعات چنین پدیده ای بسیار مهم و درخور توجه است. با بروز نزاع و خشونت در سطح فردی نمی توان منتظر امنیت و آرامش روانی افراد بود و انواع بیماری های روانتی، اضطراب، دلهره و سایر بیمارها در درون افراد رسوخ خواهد کرد. ضرب و جرح، قتل، ناامنی، ترس از ورود به محیط اجتماعی، عدم اطمینان نسبت به دیگران، عدم اعتماد اجتماعی، آنومی اجتماعی و ... تنها بخشی از مسائل اجتماعی است که در نتیجه این پدیده بروز خواهد کرد (بخارایی و همکاران، 1395).

دسته بندی نزاع

دسته بندی های مختلفی از نزاع ارائه شده است که میتوان به چند مورد از آنها اشاره کرد: الف - نزاع از نظر کنشگرانی که درگیر در واقعه هستند، شامل نزاع فردی و گروهی است. در نوع اول در هر طرف نزاع یک نفر قرار دارد. اما در حالت دوم یک گروه با گروه دیگر درگیر می شود. بنابراین از نظر افراد درگیر در نزاع حالت زیر متصور است.

بررسی اقدامات پدافندی و انتظامی قرنطینه دامی و...



ب- از نظر انگیزه ها و عوامل شکل گیری به چهار دسته تقسیم می شوند: خانوادگی، قومی و فرهنگی، سازمانی و مالی.

مبنای این تقسیم بندی این است گاهی اختلافات خانوادگی و فامیلی منشا درگیری و نزاع است. در موارد دیگر تعارضات فرهنگی یا قومی میان افراد و گروه ها زمینه ساز نزاع و درگیری می شود. در نزاع های سازمانی اختلافات و تنش های میان کارکنان یا رده های سازمانی منشأ نزاع خواهد بود. و بالاخره بسیاری از نزاع ها به دلیل اختلافات مالی به وجود می آید. البته در برخی از نزاع ها ترکیبی از این عوامل را میتوان همزمان مشاهده کرد (بخارایی و همکاران، 1395).

ج- از نظر آسیب ها و عوارض ناشی از نزاع، بر دو نوع است: 1- بدنی و جسمی 2- نزاع زبانی - گفتاری. در حالت اول نزاع عوارض جسمی و بدنی دارد در حالی که حالت دوم نزاع به مشاجرات زبانی و گفتاری محدود می شود.

د- نزاع از حیث سازمان یافتگی، بر دو گونه است: 1- نزاع سازمان یافته 2- نزاع بی سازمان. نزاع سازمان یافته مبتنی بر برنامه ریزی قبلی و با هدف گذاری مشخص است. در حالی که نزاع بی سازمان، بدون برنامه ریزی و هدف گذرای قبلی و غالباً به صورت بازتابی و نیز مینامند که فرد به صورتی ناخواسته «ناخواسته» ناگهانی رخ می دهد. این نوع نزاع را و تصادفی یا ناچاری در آن درگیر می شود و در مقابل نزاع خواسته و ابزاری قرار می گیرد. اغلب نزاع های نوع بی سازمان و ناخواسته هستند، اگر چه ادامه آنها می تواند به شکلی هدفمند و سازمان یافته استمرار یابد.

ر- از حیث محل وقوع نزاع ممکن است در اماکن عمومی مانند خیابان، محل کار و محل تحصیل یا محافل خصوصی مانند خانه و محافل دوستانه و خویشاوندی صورت گیرد. بنابراین از این حیث نزاع بر دو گونه است: 1- نزاع در اماکن عمومی 2- نزاع در اماکن خصوصی (بخارایی و همکاران، 1395).

عوامل دخیل در نزاع گروهی

الف - تنوع ریشه های قومی

یکی از عوامل مهم در بروز برخورد و نزاع دسته جمعی، تنوع ریشه های قومی و عصیت کور نسبت به ریشه طایفه ای و عشیره ای است که در جوامع روستایی نسبت به جوامع شهری بروز و نمود زیادی دارد.

ب - تمایلات مادی و حفظ قدرت مالی

تمایلات مادی و حفظ قدرت مالی از طریق در اختیار داشتن املاک و زمین های مرغوب روستاست. در اکثر روستاها حدود دقیق املاک مشخص نبوده و ازدیاد و تکثیر نسل ها بین طایفه های مختلف و همچنین افرادی که خانواده برای تصاحب زمین های بیشتر موجب اختلافاتشدیدی می شود (شریعتی و همکاران، 1391).

ج - عوامل فرهنگی

عوامل پرخاشگری، قوم گرایی، بی هنجاری و محرومیت نسبی دارای رابطه معناداری مثبت و متغیرهای کنترل اجتماعی، انسجام اجتماعی، پایگاه اجتماعی اقتصادی، سن، جنسیت و تحصیلات دارای رابطه معنادار معکوس و متغیرهای تاهل و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی فاقد رابطه معنادار با گرایش به نزاع های جمعی، قومی و قبیله ای بوده اند، و گرایش به نزاع در بین مردان و زنان متفاوت بوده، و مردان گرایش بیشتری به نزاع جمعی دارند (کلواری و بحرینی، 1389).

د - ویژگی های جمعیتی

رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل سن، تجربه عینی نزاع، رضایت از زندگی و دسترسی به امکانات رفاهی و ابعاد نزاع وجود دارد. از سوی دیگر افراد با تحصیلات پایینتر تمایل بیشتری به نزاع دارند و بین افراد متأهل و افراد مجرد از نظر میزان گرایش و تمایل به نزاع تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج در مجموع متغیرهای مستقل 96 درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می نمایند (افشانی و همکاران، 1394).

بین متغیرهایی نظیر سن، احساس آنومی، گرایش قومی و قبیله‌ای، خاستگاه خانوادگی و کنترل اجتماعی با نزاع رابطه معناداری وجود دارد (واحدی و همکاران، 1392).

۵- هنجارهای اجتماعی و شهری

در این میان محله‌های شهری در بیشتر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی نقش قابل توجهی در بروز نزاع و درگیری‌های گروهی دارد این در حالی است که سازمان بهداشت جهانی¹ در سال 2009 اعلام کرد که رفتارهای خشن به شدت تحت تاثیر بستر و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است (سازمان بهداشت جهانی، 2009). در این زمینه، اجتماعات و مکان‌های محلی به عنوان محتوا و بستر زندگی روزمره‌ی جوانان در محلات شهری می‌تواند دارای اهمیت باشد. زیرا محله‌های شهری را می‌توان به مثابه‌ی کوچکترین واحد‌های کالبدی و اجتماعی در بدنه‌ی سنتی شهرهای ایران به حساب آورد. محله‌های شهری در برگیرنده‌ی نمادها و معانی اجتماعی مورد توافق همگان هستند که به طور قابل تاملی می‌توانند روابط اجتماعی را متاثر سازند. افراد با تفسیر، تعریف و بازتعریف دائمی اجتماعات محلی، دارای یک طرح‌واره اجتماعی می‌شوند و با توجه به این اصول و قضایای انتزاعی، وضعیت را دریافت می‌کنند و نسبت به آن کنش مناسب نشان می‌دهند (جهانگیری و همکاران، 1393).

۶- نقش جنسیتی

نقش جنسیتی² یکی از عناصر مهم‌تعیین هویت شخص است و از آنجایی که نوجوان در پی کسب هویت می‌باشند به نظر میرسد نقش جنسیتی می‌تواند یکی از عوامل تاثیرگذار بر خشونت ورزی باشد. بر اساس مدل نقش جنسیتی³ بم 4 هر شخصی از لحاظ نقش جنسیتی ممکن است دارای سه نوع شخصیت 1- مردانه، 2- زنانه 3- آندروژنی (دوجنسیتی) می‌باشد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که نقش جنسیتی می‌تواند پیش‌بین بهتری برای الگوی ابراز و تجربه خشم باشد. پژوهش‌ها موید این نکته-

¹-World Health Organisation

²-Sex-Role

اند که نقش جنسیتی افراد می تواند در برون ریزی و یا درون ریزی خشم تاثیر گذار باشد مردان و زنانی که از ویژگی مردانه بیشتری برخوردار بودند تمایل بیشتری به برون ریزی خشم داشتند و مردان و زنانی که ویژگی زنانگی در آنها بارزتر بود، تمایل به درون ریزی خشم دارند (قلی پور و رشادتی، 1394).

روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف انجام آن در دسته تحقیقات کاربردی و از نوع توصیفی - همبستگی می باشد که در آن از روش همبستگی استفاده شده است در تحقیقات همبستگی محقق به بررسی ارتباط و میزان ارتباط بین متغیرها می باشد (سرمد و همکاران، 1385). روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق در دو بخش اطلاعات توصیفی و میدانی می باشد در بخش توصیفی اطلاعات مربوط به موضوع تحقیق با استفاده از منابع معتبر کتابخانه ای و مقالات علمی پژوهشی داخلی و خارجی به روش فیش برداری جمع آوری شد که با تلفیق مطالعات پایه در صدد ارائه چارچوبی از مبانی قوی در خصوص مساله مورد نظر می باشد. در بخش میدانی داده ها از نوع داده های آماری می باشد. داده های جمع آوری شده با استفاده از آزمون های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش جمعیت شناسی با استفاده از جداول درصد فراوانی و نمودارها به ارائه ویژگی های جمعیت شناسی گروه نمونه پرداخته شد در بخش آمار توصیفی متغیرها، شاخص های آماری دامنه، میانگین، انحراف معیار، خطای میانگین، مقادیر حداقل و مقادیر حداکثر محاسبه شد. در بخش آمار استنباطی، برای بررسی وضعیت هر یک از متغیرها در بین نمونه ها از آزمون T تک متغیره و برای بررسیو تحلیلتاثیرمتغیرهایمستقل برمتغیر وابسته از آزمون همبستگی (رگرسیون خطی) استفاده شد.

متغیر مستقل: در این تحقیق هوش فرهنگی و تنظیم هیجان به عنوان متغیر های مستقل اصلی و مولفه های هر یک از این متغیر ها به عنوان متغیرهای مستقل فرعی در نظر

گرفته شده است. متغیر وابسته: در این تحقیق نیاز های اساسی روانشناسی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

جامعه آماری، نمونه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری در این تحقیق شامل تمامی افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری های گروهی که در کلانتری های سطح شهر اردبیل در طول سال 1396 دارای پرونده بوده، به تعداد کل 204 نفر می باشد. با استفاده از فرمول کوکران تعداد 133 نفر نمونه محاسبه شد که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای تعداد 8 کلانتری در اردبیل انتخاب شد و در این کلانتری ها در مجموع به تعداد 133 نفر نمونه (افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی) بین آنها پرسشنامه پخش شد از بین تعداد مورد نظر پرسشنامه پخش شده تعداد 10 پرسشنامه برگشت داده نشده و از تعداد 123 نمونه موجود، داده ها وارد نرم افزار SPSS گردید تا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

ابزار گردآوری تحقیق

پرسشنامه هوش فرهنگی

پرسشنامه هوش فرهنگی 20 سوالی که توسط آنگک و همکاران در سال 2004 طراحی شده است. این پرسشنامه دارای چهار عامل است که عبارت است از: راهبرد یا فراشناخت، دانش یا شناخت، انگیزشی، رفتاری. روایی و پایایی: در پژوهش حمیدی و همکاران (1392) روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط 12 نفر از اساتید دانشگاهی تایید شد و در یک مطالعه راهنما و با استفاده از ضریب همبستگی آلفای کرونباخ مقدار پایایی پرسشنامه هوش فرهنگی 72% به دست آمد.

پرسشنامه تنظیم هیجان

این پرسشنامه دارای 36 سوال بوده و هدف آن سنجش خرده مقیاس های نظم جویی شناختی هیجان (ملامت خویش، پذیرش، نشخوارگری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه گیری، فاجعه سازی، ملامت

دیگران) است. این پرسش نامه توسط گارنفسکی و همکاران (2001) به منظور ارزیابی راهبردهایشناختی که هر فرد بعد از تجربه رخدادهای تهدید کننده یا استرس های زندگی به کار می برد ابداع شده است. روایی و پایایی: در بررسی مشخصات روان سنجی آزمون گارنفسکی و همکاران (2001) پایایی آزمون را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با 0/91، 0/0، 93/87 به دست آوردند. در ایران نیز روایی آزمون از طریق همبستگی نمره کل با نمرات خرده مقیاس ها آزمون بررسی شد که دامنه ای از 0/40 تا 0/68 با میانگین 0/56 را دربر می گرفت که همگی آن ها معنادار بودند. در سال 1382 پایایی پرسشنامه در فرهنگ ایرانی توسط یوسفی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس های شناختی 0/82 گزارش شده است.

پرسشنامه نیاز های اساسی روانشناختی

این مقیاس توسط گاردیا، دسی و رایان در سال 2000 ساخته شده است که میزان احساس حمایت از نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگر آزمودنی ها را می - سنجد. مقیاس مذکور 21 ماده است که براساس مقیاس هفت درجه ای لیکرت درجه بندی شده است. روایی و پایایی: ضرایب پایایی حاصل از اجرای آن روی مادر، پدر، شریک رمانتیک و دوستان آزمودنی ها به ترتیب 92%، 92%، 92% و 92% گزارش شده است (قربانی و واتسون، 2004) در ایران این مقیاس در نمونه های مدیران و دانشجویان ایرانی اجرا شده و از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است. به طوری که آلفای بین 74% تا 79% در نوسان است (گاردیا و دسی، 2007).

بررسی اقدامات پدافندی و انتظامی قرنطینه دامی و...

جدول (1) ضرایب پایایی محاسبه شده برای هر یک از ابزارها در تحقیق

متغیر	ابعاد	تعداد گویه	ضریب آلفا(α)	ضریب آلفا کل(α)
نیاز های اساسی روانشناختی	خودمختاری	7	0/76	0/72
	شایستگی	6	0/74	
	ارتباط	8	0/71	
هوش فرهنگی	راهبرد (فراشناختی)	4	0/76	0/83
	دانش (شناخت)	6	0/63	
	انگیزشی	5	0/67	
	رفتاری	5	0/70	
تنظیم هیجان	ملامت خویش	4	0/75	0/84
	پذیرش	4	0/69	
	نشخوار گری	4	0/71	
	تمرکز مجدد مثبت	4	0/73	
	تمرکز مجدد بر برنامه ریزی	4	0/76	
	ارزیابی مجدد مثبت	4	0/66	
	دیدگاه گیری	4	0/72	
	فاجعه سازی	4	0/71	
ملامت دیگران	4	0/79		

نتایج به دست آمده از محاسبه ضریب پایایی برای متغیر ها نشان می دهد که میزان آلفای گرونباخ برای هر سه متغیر بالای 0/70 محاسبه شده که این مقادیر نشان می دهد ابزار های اندازه گیری از ظریب اطمینان مطلوبی برخوردار بوده اند.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

برای بررسی ویژگی های دموگرافیک پاسخ دهنده ها از جداول درصد فراوانی و برای بررسی ویژگی های توصیفی متغیر ها از آماره های میانگین و انحراف معیار استفاده شده است. و در نهایت بنا به بررسی تاثیر متغیر های مستقل (تنظیم هیجان، و هوش فرهنگی) بر متغیر وابسته (نیاز های اساسی افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی) از آزمون رگرسیون خطی و چندگانه استفاده شده است.

یافته ها

یافته های جمعیت شناسی

برابر نتایج بیشترین درصد فراوانی به بازه سنی 40-30 سال و کمترین درصد فراوانی به بازه سنی بالای 50 سال می باشد. فراوانی مردان بسیار بیشتر از زنان بوده است به گونه ای که بالای 90 درصد جمعیت مورد مطالعه جنسیت مرد داشته اند. 65 درصد از جمعیت مورد مطالعه متأهل و 34 درصد آنان مجرد بوده اند. آمار به دست آمده برای متغیر تحصیلات نشان می دهد سطح تحصیلات دیپلم، بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده است. و کمترین فراوانی به سطح تحصیلات بی سواد اختصاص دارد. سوابق کیفی افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری را نشان می دهد حدود 91 درصد افراد بیان کرده اند که سابق کیفی نداشته و بقیه افراد با آمار های پایین یک یا دو بار سابقه را گزارش کرده اند.

یافته های توصیفی

جدول (2) یافته های توصیفی متغیر های پژوهش

	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
هوش فرهنگی	3/53	12/46	123	راهبرد فراشناختی
	3/71	18/52	123	دانش شناخت
	3/29	15/74	123	انگیزش فرهنگی
	3/44	15/59	123	رفتار فرهنگی

بررسی اقدامات پدافندی و انتظامی قرنطینه دامی و...

تنظیم هیجان	2/59	10/77	123	ملامت خویشتن
	2/87	11/04	123	پذیرش
	2/68	11/57	123	نشخوار گری
	2/96	11/70	123	تمرکز مجدد مثبت
	3/13	12/78	123	تمرکز مجدد بر برنامه
	3/32	12/78	123	ارزیابی مجدد مثبت
	2/74	12/09	123	دیدگاه گیری
	2/75	11/02	123	فاجعه سازی
	3/06	10/93	123	ملامت دیگران
نیاز های اساسی روانشناختی	4/60	28/90	123	خودمختاری
	4/12	24/39	123	شایستگی
	4/90	34/42	123	ارتباط
			123	کل

یافته های استنباطی

فرضیه اول: تنظیمات هیجانی و مولفه های آن توانایی پیش بینی خودمختاری را در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی دارد.

جدول (3) ضرایب رگرسیونی متغیر خودمختاری

Sig.	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		مدل	
		Beta	Std. Error	B		
0/000	8/32		2/93	24/45	مقدار ثابت	
0/591	0/539	0/062	0/205	0/110	ملامت خویشتن	
0/510	0/660	-0/089	0/217	-0/143	پذیرش	

	-				
0/293	1/05	0/138	0/225	0/237	نشخوار
0/319	1	0/143	0/222	0/223	تمرکز مجدد مثبت
0/757	0/310	0/049	0/232	0/072	تمرکز مجدد در برنامه ریزی
0/864	0/171 -	-0/026	0/209	-0/036	ارزیابی مجدد مثبت
0/789	0/268 -	-0/032	0/201	-0/054	دیدگاه گیری
0/641	0/468	0/051	0/182	0/085	فاجعه سازی
0/501	0/675 -	-0/076	0/169	-0/114	ملامت دیگران
متغیر وابسته: خودمختاری					

در جدول فوق مشاهده می شود بین مولفه های تنظیم هیجان و خودمختاری، مقدار P در حد بالای $0/05$ به دست آمده است بنابراین H_0 تایید شده و H_1 رد می شود. در واقع می توان بیان کرد بین هیچ یک از مولفه های تنظیم هیجان و خودمختاری ارتباط معنیداری وجود نداشته و مولفه های تنظیم هیجان توانایی پیش بینی خودمختاری را در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی را ندارد. مقادیر اندک ضرایب T و $Beta$ نیز می تواند دلیل دیگری بر این مساله باشد.

فرضیه دوم: تنظیمات هیجانی و مولفه های آن توانایی پیش بینی شایستگی را در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی دارد.

بررسی اقدامات پدافندی و انتظامی قرنطینه دامی و...

جدول (4) ضرایب رگرسیونی متغیر شایستگی

Sig.	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		Beta	Std. Error	B	
0/000	9/21		2/44	22/53	مقدار ثابت
0/020	2/36	0/254	0/171	0/403	ملاطت خویشتن
0/047	-2/006	-0/252	0/181	-0/362	پذیرش
0/331 -	-0/977	-0/119	0/187	-0/183	نشخوار
0/045	2/03	0/270	0/185	0/376	تمرکز مجدد مثبت
0/419	0/811	0/119	0/193	0/156	تمرکز مجدد در برنامه ریزی
0/547	0/604	0/085	0/174	0/105	ارزیابی مجدد مثبت
0/241	-1/17	-0/131	0/167	-0/197	دیدگاه گیری
0/512	-0/658	-0/067	0/151	-0/009	فاجعه سازی
0/678	-0/417	-0/044	0/141	-0/059	ملاطت دیگران
متغیر وابسته: شایستگی					

در جدول فوق که به بررسی تاثیر هر یک از متغیرهای تنظیم هیجان بر شایستگی افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی پرداخته است، مشاهده می شود سطح معنی داری بین ملاطت خویشتن و شایستگی در حد 0/02 می باشد که آن مقدار نشان می دهد $P < 0/05$ می باشد. بنابراین H_0 رد شده و H_1 پذیرفته می شود و میتوان بیان کرد ملاطت خویشتن در افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی، توانایی پیش بینی

شایستگی را در آنان دارد، به عبارتی ملامت خویشتن به مقدار 0/25 توانایی تبیین واریانس‌های شایستگی را دارد. همچنین مقدار سطح معنی داری بین تمرکز مجدد مثبت و شایستگی، کمتر از 0/05 می باشد ($P < 0/05$). بنابراین برای این متغیر نیز H_0 رد شده و H_1 تایید می شود و می توان بیان کرد تمرکز مجدد مثبت با شایستگی افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی رابطه مثبت و معنی داری داشته و توانایی پیش بینی و تبیین واریانس‌های شایستگی را به میزان 0/27 دارد. در حالت کلی نتایج تجزیه و تحلیل فرضیه دوم گویای این مساله است که از بین تمامی مولفه های تنظیم هیجان، تنها ملامت خویشتن، پذیرش و تمرکز مجدد مثبت بر شایستگی افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی تاثیر داشته و توانایی پیش بینی آن را دارد. بین دو متغیر بیشترین تاثیر مربوط به تمرکز مجدد و کمترین مربوط به ملامت خویشتن می باشد.

فرضیه سوم: تنظیمات هیجانی و مولفه های آن توانایی پیش بینی ارتباط را در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی دارد

جدول (5) جدول ضرایب رگرسیونی متغیر ارتباط

Sig.	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		Beta	Std. Error	B	
0/000	13/16		2/94	38/77	مقدار ثابت
0/869	0/165	0/018	0/206	0/034	ملامت خویشتن
0/264	-1/12	-0/143	0/217	-0/244	پذیرش
0/411	-0/825	-0/102	0/225	-0/186	نشخوار
0/167	1/39	0/187	0/223	0/310	تمرکز مجدد مثبت
0/787	0/271	0/040	0/232	0/063	تمرکز مجدد در

بررسی اقدامات پدافندی و انتظامی قرنطینه دامی و...

					برنامه ریزی
0/702	-0/383	-0/054	0/210	-0/080	ارزیابی مجدد مثبت
0/400	0/844	-0/095	0/201	0/170	دیدگاه گیری
0/641	-0/467	-0/048	0/182	-0/085	فاجعه سازی
0/020	-2/36	-0/250	0/170	-0/401	ملامت دیگران
متغیر وابسته: ارتباط					

مقادیر ضرایب به دست آمده در جدول نشان می‌دهد بین تمامی مولفه های تنظیم هیجان و متغیر ارتباط، به غیر از ملامت دیگران، سطح معنیداری به دست آمده بیشتر از 0/05 می باشد این نشان می‌دهد بین متغیرهای فوق و ارتباط، H_0 تایید شده و H_1 رد می‌شود. و می‌توان بیان کرد ملامت خویشتن، پذیرش، نشخوار، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد در برنامه ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه گیری و فاجعه سازی با عامل ارتباط، در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی، رابطه معنی داری نداشته و توانایی پیش بینی ارتباط را در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی را ندارد. اما مشاهده می‌شود بین متغیر ملامت دیگران و ارتباط، مقدار P-value در حد 0/02 می باشد و از آنجایی که $P < 0/05$ می‌باشد بنابراین بین دو متغیر H_0 رد شده و H_1 پذیرفته می‌شود. و می‌توان بیان کرد ملامت دیگران با عامل ارتباط، در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی رابطه معکوس داشته و توانایی پیش بینی آن را دارد به عبارت دیگر ملامت دیگران به میزان 0/25 توانایی تبیین واریانس های ارتباط را در این افراد دارد. بنابراین این مقدار منفی و رابطه معکوس می‌توان بیان کند که افزایش

ملاط و سرزنش دیگران توسط افراد شرکت کننده در نزاع می تواند باعث کاهش قابل توجه انگیزه ارتباط با افراد مقابل شود. فرضیه چهارم: هوش فرهنگی و مولفه های آن توانایی پیش بینی خودمختاری اساسی روانشناختی را در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی دارد.

جدول (6) جدول ضرایب رگرسیونی متغیر خودمختاری

Sig.	t	ضرایب غیر استاندارد			مدل
		Beta	Std. Error	B	
0/000	144 12		2/51	31/28	مقدار ثابت
0/705	1379 0	0/041	0/140	0/053	راهبرد فراشناخت
0/183	1/34	0/139	0/128	0/172	دانش شناخت
0/429	1793 -0	-0/093	0/164	-0/130	انگیزش فرهنگی
0/087	-1/72	-0/20	0/155	-0/267	رفتار فرهنگی
متغیر وابسته: خودمختاری					

در جدول فوق مشاهده می شود بین تمامی مولفه های هوش فرهنگی و خودمختاری افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی، مقدار P-value بیشتر از 0/05 به دست آمده است، این نشان می دهد H_0 تایید شده و H_1 رد می شود. بنابراین می توان بیان

بررسی اقدامات پدافندی و انتظامی قرنطینه دامی و...

کرد بین هیچ یک از مولفه های هوش فرهنگی و خودمختاری، ارتباط معنی داری وجود نداشته و مولفه های هوش فرهنگی توانایی پیش بینی خودمختاری را در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی را ندارند.

فرضیه پنجم: هوش فرهنگی و مولفه های آن توانایی پیش بینی شایستگی در نیازهای اساسی روانشناختی را در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی دارد.

جدول (7) ضرایب رگرسیونی

Sig.	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		Beta	Std. Error	B	
000 0/	10/28		2/18	22/44	مقدار ثابت
002 0/	3/24	0/337	0/121	0/39	راهبرد فراشناخت
873 0/	-0/16	-0/016	0/111	-0/018	دانش شناخت
614 0/	0/50	0/058	0/143	0/072	انگیزش فرهنگی
076 0/	-1/79	-0/201	0/134	-0/24	رفتار فرهنگی
متغیر وابسته: شایستگی					

نتایج یافته های حاصل از تحلیل روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته برای فرضیه پنجم نشان می دهد سطح معنیداری به دست آمده بین راهبرد فراشناخت و شایستگی، در حد 0/002 می باشد بنابراین H_0 رد شده و H_1 پذیرفته می شود. مقدار ضریب استاندارد بین دو متغیر در حد 0/33 می باشد و بنابراین می توان بیان کرد بین دو متغیر راهبرد

فراشناخت و شایستگی با اطمینان 99% رابطه مثبت و معنیداری وجود دارد و راهبرد فراشناخت به میزان 0/33 توانایی پیش بینی و تبیین واریانسهای شایستگی را در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی را دارد.

فرضیه ششم: هوش فرهنگی و مولفه های آن توانایی پیش بینی ارتباط اساسی روانشناختی را در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی دارد.

جدول (8) جدول ضرایب رگرسیونی

Sig.	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		Beta	Std. Error	B	
0/000	14/66		2/57	37/79	مقدار ثابت
0/087	1/72	0/178	0/143	0/247	راهبرد فراشناخت
0/009	-2/65	-0/264	0/131	-0/349	دانش شناخت
0/084	1/74	0/197	0/168	0/294	انگیزش فرهنگی
0/065	-1/86	-0/207	0/159	-0/296	رفتار فرهنگی
متغیر وابسته: ارتباط					

نتایج یافته های به دست آمده از جدول فوق نشان میدهد بین مولفه ها راهبرد فراشناخت، انگیزش فرهنگی و رفتار فرهنگی با عامل ارتباط، در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی، مقدار P از 0/05 بالاتر بوده که نشان دهند رد H_1 و تایید H_0 می باشد در واقع می توان بیان کرد که متغیر های فوق توانایی پیش بینی ارتباط را در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی ندارند. اما بین دانش شناخت و ارتباط، مقدار P کمتر از 0/01 و در حد 0/009 می باشد بنابراین برای این متغیر H_0 رد شده و H_1 پذیرفته می شود، و می توان بیان کرد در سطح اطمینان 99% بین دانش

شناخت و ارتباط، رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی دانش شناخت توانایی پیش‌بینی عامل ارتباط در نیازهای اساسی روانشناختی را داشته و می‌تواند به میزان 0/26- واریانس‌های ارتباط را در بین افراد شرکت‌کننده در نزاع و درگیری گروهی را داشته باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول تحقیق به نقش تنظیمات هیجانی در پیش‌بینی خودمختاری در افراد شرکت‌کننده در نزاع و درگیری‌های گروهی پرداخته بود. نتایج به دست آمده از تحلیل این فرضیه نشان داد که تنظیمات هیجانی قادر به پیش‌بینی خودمختاری نمی‌باشد به عبارتی تنظیم‌هیجانی و مولفه‌های آن نمی‌توانند واریانس‌های هیچ‌یک از مولفه‌ها را تبیین کند. نتایج به دست آمده از تحلیل این فرضیه‌ها نتایج تحقیقات توکل‌زاده و همکاران (1390)، فرجی و همکاران (1396) و رضوی و همکاران (1390) همسویی- دارد اما با تحقیقات عبدی و همکاران (1389)، قربانی و فولادچنگ (1393)، یوسفی (1394) و محیو بدری (1395) ناهمسو می‌باشد. بنابراین با توجه به نتایج حاصل از دیگر تحقیقات می‌توان بیان کرد که در همه مواقع نمی‌توان انتظار ارتباط بین عامل‌های هیجانی را با نیازهای اساسی روانشناسی انتظار داشت چرا که این مساله می‌تواند تابع عوامل مختلفی نظیر عوامل محیطی، شرایط جامعه و فاکتورهای بازدارنده در زندگی اجتماعی باشد. از آنجایی که در این تحقیق بین تنظیمات هیجانی و مولفه‌های آن ارتباطی با خودمختاری در افراد شرکت‌کننده در نزاع و درگیری گروهی وجود ندارد لذا می‌توان چنین بیان کرد که افراد شرکت‌کننده در نزاع و درگیری گروهی در احساس اختیار و حق انتخاب نمره پایینی کسب کرده‌اند که به واسطه نمرات تنظیم هیجان قابل پیش‌بینی نیست. از دلایل این امر می‌توان به کافی نبودن نمونه تحقیق (120 نفر) و شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه در عدم ارضای نیازهای اساسی

روانشناختی اشاره کرد. همچنین احتمالاً سایر متغیرهای میانجی در این امر دخیل هستند که نیاز به تحقیقات بیشتر را می طلبد.

نتایج به دست آمده از تحلیل این فرضیه نشان داد در حالت کلی بین تنظیمات هیجانی و شایستگی افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی مقدار $P < 0/05$ به دست آمد که این نشان دهنده تایید فرضیه فوق بود و حاکی از آن است که تنظیمات هیجانی توانایی پیش بینی شایستگی را در این افراد دارد. به عبارتی تنظیمات هیجانی این توانایی را دارند که حداقل در یکی از مولفه های خود واریانسهای شایستگی را در افراد تبیین کنند. نتایج یافته های این فرضیه در حالت کلی با نتایج تحقیقات عبدی و همکاران (1389)، قربانیوفولادچنگ (1393)، یوسفی (1394) و محبی و بدری (1395) همسویی دارد. از بین مولفه های تنظیم هیجان «ملامت خویشتن» ($B=0/25$)، «پذیرش» ($B=-0/25$) و «تمرکز مجدد مثبت» ($B=0/25$) با شایستگی افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری های گروهی ارتباط معنی دار برقرار است و این مولفه ها توانایی پیش بینی شایستگی را در این افراد دارند. با در نظر گرفتن نتیجه کسب شده نتایج نشان می دهد افرادی که ملامت خویشتن بالایی در خود احساس می کنند به احتمال زیاد جهت ارضای نیاز شایستگی به چالش های ناسالم چون دعوا و درگیری روی می آورند تا هیجانات منفی خود را از این طریق ارضا کرده و در صورت پیروزی در درگیری احساس شایستگی خود را ارضاء کند. همچنین افرادی که پذیرش هیجانات پایینی دارند، احتمال زیادی به نزاع و درگیری روی می آورند. همچنین افرادی که پذیرش هیجانات پایینی دارند، احتمال زیادی به نزاع و درگیری روی می آورند. از درگیری جهت تخلیه هیجانات منفی خود استفاده می کنند. و همچنین از آن جایی شایستگی، نیازی روانشناختی است که برای دنبال کردن چالش های بهینه و به خرج دادن تلاش لازم برای تسلط یافتن بر آنها، انگیزش فطری تأمین می کند (گلستانه و پیرمردوند، 1396) بنابراین می توان بیان کرد که با تاثیر تنظیم

هیجانان بر احساس شایستگی، نیاز روانشناختی مبنی بر تشویق خود جهت به چالش کشیدن داشته های خود را تحت هیجانان قرار می دهند اگر این افراد از نظر هیجانی به نقطه قوتی دست یابند این حس شایستگی را در خود بیشتر خواهند دید و در عامل نزاع و درگیری این رویکرد ممکن است منجر به چالش کشیده شدن هیجانان منفی در جهت تداوم درگیری و نزاع باشد لذا این گروه از افراد باید تحت درمان و یا آموزش های کنترل هیجانان قرار گیرند. از طرفی با توجه به تاثیر ملامت خویشتن بر شایستگی این افراد باید گفت افراد از آنجایی که سرزش خود در سطح رفتاری با بازده مثبت در عملکرد همراه میشود و در نتیجه فرد به دلیل داشتن افکار خاصی خود را مسبب رویداد بد دانسته و خود را سرزنش میکنند بنابراین اگر ملامت خویشتن در افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی، شایستگی آنان را تحت تاثیر قرار داده است، این به آن معنی است که اگر این افراد از انجام کرده های خود پشیمان شوند این مساله می تواند در نظر آنان عامل شایستگی را که در نزاع به عنوان شایستگی خود برای ادامه درگیری می باشد را کاهش دهد. و در نهایت تاثیر عامل تمرکز مجدد مثبت بر شایستگی افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی نشان می دهد با توجه به این که تمرکز مجدد مثبت به افکاری اشاره دارد که طی آن فرد به جای فکر کردن درباره رویداد منفی کنونی به موضوعات شاد و لذتبخش فکر می کند (گراس، 2003؛ به نقل از بهرامی و همکاران، 1394). پستتاثیر این رویداد بر عامل شایستگی افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی نشان می دهد اگر این افراد بتوانند این انگیزه را در خود تقویت کنند منجر به آن خواهد شد که با مرور روی مثبت عمل انجام داده خود بتوانند حوادث را به طور مثبت رقم بزنند و شایستگی خود را محکزه و با تفکر در نتیجه بد درگیری و قبول نتیجه مثبت امتناع از نزاع و درگیری خود را فردی لایق و شایسته بدانند.

نتایج حاصل از تحلیل این فرضیه نشان داد بین تنظیمات هیجانی و عامل ارتباط در نیاز های اساسی روانشناسی افراد شرکتکننده در نزاع و درگیری گروهی، $P < 0/05$ می

باشد این نشان می‌دهد تنظیمات هیجانی توانایی پیش‌بینی عامل ارتباط را در افراد شرکت‌کننده در نزاع و درگیری گروهی دارد به عبارتی دیگر تنظیمات هیجانی بر رویکرد ارتباط، توانایی تبیین واریانس‌های آن را دارد. نتایج به دست آمده از تحلیل‌های فرضیه با نتایج تحقیقات عبدی و همکاران (1389)، قربانی و فولادچنگ (1393)، یوسفی (1394) و محبی و بدری (1395) همسویی دارد. با توجه به این نتیجه می‌توان نتیجه گرفت از آنجایی که عامل ارتباط به سازگاری بهتر و سطوح بالاتر عملکرد روانی اجتماعی منجر خواهد شد (بشارت و همکاران، 1392). بنابراین تاثیر تنظیم هیجانات در افراد شرکت‌کننده در نزاع و درگیری گروهی می‌تواند باعث شود این افراد با کنترل هیجانات، خود را از جامعه و متعلق به آن بدانند این گونه افراد در صورتی که از نظر هیجانات کنترل شوند می‌توانند روحیه اجتماعی و تعلق به زندگی اجتماعی را در خود تقویت کنند بنابراین احساس بر خورداری از روابط اجتماعی رضایت بخش و حمایتگر، علاقمندی و تعلق داشتن به دیگران، با تنظیم هیجانات در افراد شرکت‌کننده در نزاع و درگیری گروهی می‌تواند تحقق یابد. همچنین نتایج نشاد داد از بین مولفه‌های تنظیم هیجان، «ملامت دیگران» با عامل «ارتباط» در افراد شرکت‌کننده در نزاع و درگیری گروهی با سطح بالایی ارتباط داشته و توانایی پیش‌بینی آن را دارد. ملامت دیگران به راهکار شناختی اشاره دارد که بر اساس آن فرد به خاطر اتفاق افتادن رویداد بد، دیگران را ملامت و سرزنش می‌کند (گراس، 2003؛ به نقل از بهرامی و همکاران، 1394) که این مساله نیز خود میتواند یکی از عوامل بالارفتن انگیزه فرد جهت شرکت در درگیری باشد تاثیر ملامت دیگران بر عامل ارتباط در این افراد باعث می‌شود که فرد به دلیل مقصدانستن دیگران و سرزنش کردن آنان دست به اقدامات منافی روحیه اجتماعی و قطع ارتباط با دیگران خواهد زد. به بیان دیگر میتوان گفت با افزایش حس سرزنش دیگران توسط این گروه افراد، قطع ارتباط دوستی در بین آن‌ها اتفاق بیافتد. زیرا سرزنش خود و دیگران سبک‌های اسنادی هر فردی هستند، طرز تفکری درونی،

باثبات و کلی بودن علیت تجارب و وقایع بخصوص وقایع منفی (گرانفسکی و همکاران، 2002). بنابراین تحت تاثیر گرفتن ارتباط نیز یک رویکرد منفی تلقی می شود. نتایج به دست آمده از تحلیل فرضیه چهارم نشان داد هوش فرهنگی و مولفه های قادر به پیش بینی خودمختاری افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی نمی باشد. نتایج به دست آمده از تحلیل این فرضیه با نتایج تحقیقات جوادپور (1391)، پاکزاد (1394)، عرب زاده (1396) و مارجاناگونکل و همکاران (2016) به نوعی ناهمسو می باشد. البته این محققان مستقیماً به بررسی ارتباط هوش فرهنگی با نیازهای اساسی روانشناسی و خودمختاری نپرداخته اند. با در نظر گرفتن این مساله برخلاف این انتظار که به تاثیر هوش فرهنگی و مولفه های آن بر خودمختاری افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری بود در این تحقیق مشخص شد که هوش فرهنگی بر احساس خودمختاری این افراد تاثیری ندارد. هوش فرهنگی بررسی می کند چگونه کسی می تواند زمانی که هدیریک محیط بین فرهنگی از امکانات و مهارت های آنها شناختی ندارد، خود را وفقدهد و پیشرفت کندهوش فرهنگی را توان فردی برای عمل و اداره کردن به لحاظ فرهنگی با کارایی در زمینه های گوناگون یا محیطهای مختلف تعریف کرده اند (گل محمدیان، 1394). و از طرفی خودمختاری در نظریه های نیازمحور، میل به خود آغازگری در تنظیم اعمال شخصی و این که فرد احساس کند پیامدهای رفتاری وی توسط خود او تعیین شده است، نیاز خود پیروی نامیده می شود (بشارت و همکاران، 1392). بنابراین با این مفهوم افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی اگر نتوانند خود را با شرایط فرهنگی وفق دهند و یا برعکس این مساله هم اگر در آنان اتفاق بیافتد، آنان نمی توانند خود محور بودن یا نبودن را دچار تغییر کنند. عامل خودمختار بودن میتواند بیشتر یک ویژگی درونی روانی باشد تا ویژگی اکتسابی البته نمی توان نقش محیط و شرایط محیط را در آن کاملاً بی تاثیر دانست. با توجه به اینکه نمرات خودمختاری نمونه تحقیق

از حد پایین ارزیابی می‌شود و تعداد نمونه تحقیق هم ناکافی است. دلیل عدم معنی داری را می‌توان به پایین بودن تعداد نمونه و نمره آزمودنی‌ها نسبت داد. نتایج یافته‌های حاصل از تحلیل این فرضیه نشان داد راهبرد های فرهنگی (B=0/23) از مولفه های هوش فرهنگی توانایی پیش‌بینی شایستگی را دارد. نتایج حاصل از تحلیل این فرضیه با نتایج تحقیقات جوادپور (1391)، پاکزاد (1394)، عرب‌زاده (1396) و مارجاناگونکل و همکاران (2016) به نوعی همسو می‌باشد. با توجه به این مساله میتوان چنین تبیین کرد که هوش فرهنگی در افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی که بالا بودن آن نیز می‌تواند به نوعی استعداد فردی آن فرد در زمینه همگام ساختن خود با ارزش‌ها و شاخص‌های فرهنگی باشد، می‌تواند بر شایستگی آن فرد تاثیرگذار باشد.

همانطور که گفته شد شایستگی، نیازی روانشناختی است که برای دنبال کردن چالش های بهینه و به خرج دادن تلاش لازم برای تسلط یافتن بر آنها، انگیزش فطری تأمین می‌کند (گلستانه و پیرمردوند، 1396). بنابراین این انگیزه می‌تواند تحت‌تاثیر هوش - فرهنگی قرار گیرد. طوری که با افزایش سطح هوش فرهنگی، این افراد خود را به شاخص های فرهنگی نزدیک تر کرده و با این کار وجود خود را در بین ارزش‌های فرهنگی تایید می‌کنند و این مساله نیز شایستگی را در این افراد در حد قابل توجهی بالا خواهد برد و می‌تواند در جلوگیری از حضور فرد در نزاع های گروهی از طریق افزایش سطح هوش فرهنگی کمک نماید. همچنین نتایج نشان داد بین عامل های راهبرد فراشناخت با شایستگی نیز ارتباط وجود دارد و این متغیر توانایی پیش‌بینی شایستگی را دارد. راهبردهای فراشناخت رفتار فرهنگی در افراد میتواند گویای اجتماعی بودن و فرهنگی بودن آن فرد باشد رفتار فرهنگی می‌تواند باعث به نمایش گذاشته شده ارزش های اجتماعی و فرهنگی توسط فرد باشد و میزان بالای این رفتار در افراد باعث احساس شایستگی آن فرد در جامعه از طرف خود فرد و دیگر اعضای جامعه باشد. در حالت کلی

ارتقاء سطح راهبردهای فراشناخت و رفتارهای فرهنگی می تواند باعث افزایش شایستگی در این افراد باشد.

نتایج تحلیل فرضیه ششم تحقیق نشان متغیر دانش شناخت ($B=-0/26$) توانایی پیش بینی مولفه ارتباط را دارد. نتایج به دست آمده از این فرضیه با تحقیقات جوادپور (1391)، پاکزاد (1394)، عربزاده (1396) و مارجاناگونکل و همکاران (2016) همسویی دارد. با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل این فرضیه و نتایج تحقیقات دیگر محققان می توان بیان کرد که ارتقاء سطح هوش فرهنگی و یا هر گونه تغییر در آن در افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی می تواند باعث تغییر در رویکرد ارتباط در نیازهای روانی این افراد باشد و از طرفی همانطور که گفته شده ارتباط در افراد به سازگاری بهتر و سطوح بالاتر عملکرد روانی اجتماعی منجر می شود. بنابراین می توان بیان کرد هوش فرهنگی می تواند باعث افزایش سازگاری و عملکرد روانی بهتر افراد شرکت کننده در نزاع و درگیریهای گروهی در سطح جامعه شود. بنابراین نیاز بر آن است تا آموزش های لازم در زمینه های ارتقاء و پرورش هوش فرهنگی در این افراد در سطح جامعه گردد. همچنین نتایج نشان داد از بین مولفه های هوش فرهنگی، مولفه دانش شناخت با سطح همبستگی قابل توجهی «ارتباط» را که جز نیازهای اساسی روانشناسی می باشد را پیش بینی کرد. با توجه به این که دانش شناختیانیگر درک فرد از تشابهات و تفاوت های فرهنگی است و دانش عمومی و نقشه های ذهنی و شناختی فرد از فرهنگ های دیگر را نشان می دهد (انگ و همکاران، 2007؛ به نقل از حسینی نسب و قادری، 1391) بنابراین تاثیر این عامل بر رویکرد ارتباط در این افراد امری مسلم بوده و نشان می دهد که هر چقدر دانش عمومی و نقشهها و ایده های ذهنی قبلی از فرهنگ در این افراد بیشتر بتواند اختلافات فرهنگی را تفکیک کند، این مساله باعث افزایش ارتباط در بین افراد شرکت کننده در نزاع و درگیری گروهی با دیگر

افراد جامعه خواهد شد لذا در این زمینه نیاز بر رشد و گسترش عوامل دانش شناختی از فرهنگ در این افراد امری ضروری خواهد بود.

منابع:

- افشانی، سیدعلیرضا، نوایی، سعید، دلبازی اصل، مجتبی (1394). بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره پیاپی، 9، شماره اول، صص 79-94.
- بخارایی، احمد؛ بیات، بهرام؛ پرکیانی، طاهره (1395). مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع های خیابانی در شهرستان بندرعباس، پژوهش نامه نظم و امنیت اجتماعی، شماره دوم، صص 97-117.
- بشارت، محمدعلی؛ هوشمند، سیده نعیمه؛ رضازاده، سیدمحمد رضا؛ غلامعلی لواسانی، مسعود (1394). نقش تعدیل کننده ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین سبک های فرزندپروری والدین و رضایت زناشویی فرزندان، فصلنامه روانشناسی خانواده، شماره 1، صص 15-28.
- جهانگیری، جهانگیر؛ زهری بیگدلی، سید محسن (1393). بر ساخت های شخصی پسران از نزاع های بین فردی خود در بستر محلات شیراز (مشارکت کنندگان: مهرجویان کانون اصلاح و تربیت استان فارس)، مجله مطالعات جامعه شناسی شهری، سال 5، شماره 13، صص 83-108.
- حسین زاده، علی حسین؛ نواح، عبدالرضا؛ عنبری، علی (1390). بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته جمعی (مورد مطالعه شهر اهواز). فصلنامه دانش انتظامی، شماره دوم، صص 191-225.

بررسی اقدامات پدافندی و انتظامی قرنطینه دامی و...

- رضوی، عبدالحمید؛ نظیری، قاسم، قنبری، رحمان (1390). بررسی هوش هیجانی مجرمان زندانی بر اساس نوع جرم و رابطه آن با سلامت روانی، نشریه مهندسی فرهنگی، شماره 57 و 58، صص 73-59.
- شریعتی، مسعود؛ مهاجری، محمد کاظم؛ ملکی؛ ابوالفضل (1391). بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع های دسته جمعی در شهرستان خدابنده، فصلنامه انتظام اجتماعی، شماره دوم، صص 118-95.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (1385) آسیب شناسی اجتماعی جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) چاپ سوم.
- عمرانیان، معصومه؛ شیخ الاسلامی، راضیه (1391). نقش سبک های دلبستگی در ارضای نیازهای اساسی روانشناختی فرزندان با توجه به وضعیت اشتغال مادر، مجله زن در فرهنگ و هنر، شماره 2، صص 61-45.
- قلی پور، فاطمه؛ رشادتی، سحر (1394). نقش راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و ترجیحات جنسیتی مردانگی-زنانگی در خشونت ورزی دختران نوجوان، مجله رویش روان شناسی، سال 5، شماره 4، صص 28-5.
- کلواری، نورالله و بحرینی، مجید (1389). مطالعه رابطه عوامل فرهنگی - اجتماعی با نزاع های دسته جمعی، قوی و قبیله در شهرستان لردگان، فصلنامه مطالعه امنیت اجتماعی، شماره 22.
- میرفردی، اصغر؛ صادق نیا، آسیه (1391). گونه شناسی نزاع های دسته جمعی در شهرستان بویراحمد، نشریه انتظام اجتماعی، شماره 2، دوره 4؛ صص 73-41.
- واحدی، ناصر؛ بهستانی، رضا و حسن زاده، مرتضی (1392). بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری [2] فردی از دیدگاه شهر خوی، فصلنامه دانش انتظامی، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان غربی سال 6، ششم، شماره 21، صص 74-47.

- Brislin, R., MacNab, B., Worthley, R. (2006) «Cultural intelligence: Understanding behaviors that serve people's goals», Group and Organization Management, Vol(31),No(1),PP: 40-55.
- Brislin, R., Worthley, R. &Macnab, B. (2006). "Cultural intelligence: Understanding behaviors that serves people's goals". Group & Organization Management, 31(1), p.40.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. Psychological Inquiry, Vol(14),No(11),PP: 227-268.
- Garnefski N, Legerstee J, Kraaij V, Van den kommer T, Teerds J. Cognitive coping strategies and symptoms of depression and anxiety: a comparison between adolescents and adults. Journal of Adolescence 2002; 25: 603-611.
- Garnefski, N., & Kraaij, V. (2000). Relationships between cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: A comparative study of five specific samples. Personality and Individual differences, 10 (2), 4-53.
- Garnefski, N., Kraaij, V. & Spinhoven, P. (2002) CERQ: Manual for the use of the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire. Datec, Leiderdorp, The Netherlands.
- Ryan RM, Deci EL(2000) Intrinsic and Extrinsic Motivations: Classic Definitions and New Directions. Contemporary Educational Psychology;25(1):54-67.
- Ryan, R. M. (2009). Self-determination Theory and Wellbeing. Wellbeing in Developing, 1-2.
- Ryan, R. M., Deci, E. L., Grolnick, W. S. & LaGuardia, J. G. (2006). The significance of autonomy and autonomy support in psychological development and psychopathology. In D. Cicchetti & D. Cohen (Eds.) Developmental

Psychopathology: Volume 1, Theory and Methods (2nd Edition, pp. 295849). New York: John Wiley & Sons.

